

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۳، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱ تا ۱۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تعهدات و مسئولیت‌های قانونی رها کردن نوزاد از منظر فقه و حقوق

| سیدعلیرضا میرحیدری لنگرودی* | استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد
اسلامی، گیلان، ایران.

| خاطره دروگر لیچاهی | دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد
اسلامی، مازندران، ایران.

چکیده

از دیدگاه فقهی و حقوقی، مسئولیت اجتماعی والدین نسبت به نوزادان، فراتر از تعهدات قانونی، یک الزام اخلاقی برای تمامی اعضای جامعه است بر همین اساس، نقش خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت فرزندان بسیار تعیین‌کننده است؛ پدیده رهاسازی نوزادان، علاوه بر تبعات فردی و اجتماعی گسترده، نشان‌دهنده بحران عمیق در ساختار خانواده و جامعه بوده و برای مقابله با این معضل، ضروری است که به جای دامن زدن به حلقه‌ی معیوب سرزنش و محکومیت، بر تقویت آگاهی عمومی و تغییر نگرش‌های غلط تمرکز شود. هر فرد به عنوان عضوی از جامعه، مسئولیت دارد تا با ارتقای سطح آگاهی خود و اطرافیان، در جهت ایجاد تغییرات پایدار و ساختن جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های انسانی و احترام به حقوق کودکان تلاش کند. تحقیق حاضر کوشیده است تا با استفاده از مطالعات کتابخانه و بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی مسئولیت قانونی رهاکردن نوزاد را بررسی نموده و جوانب آن را از منظر فقه و حقوق بسنجد. در نتیجه حتی اگر هیچ نطفه‌ای برای رهاکردن نوزاد بسته نشود باز هم انجام این عمل از دیدگاه فقها گناه و ناپسند بوده و از دیدگاه حقوقدانان غیرقانونی تلقی می‌شود؛ چنانکه کمال مطلوب آن است خطاب به تمامی افراد جامعه گفته شود تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید، تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز.

واژگان کلیدی: تعهدات، مسئولیت قانونی، رهاکردن نوزاد، فقه و حقوق.

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که همواره در جوامع مختلف بطور جدی در حال رخداد است، پدیده رها کردن نوزادان می‌باشد، چنانکه بنا بر دلایل متعددی از جمله مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی، والدین را بر آن می‌دارد تا از مسئولیت مراقبت از فرزندان خود شانه خالی کنند. (انوری، ۱۳۸۶) رها کردن نوزاد نه تنها آینده او را با مخاطرات جدی روبرو می‌سازد، بلکه به بافت اجتماعی نیز آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند. در واقع رها کردن نوزاد، علاوه بر محرومیت آن از حق طبیعی زندگی در محیطی امن و پر مهر، می‌تواند پیامدهای روحی، روانی و قانونی عمیقی داشته باشد و از سوی دیگر آن را در معرض آسیب‌های اجتماعی و جرم قرار دهد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶) طبق ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی، این عمل، جرم محسوب شده و مرتکب آن مشمول مجازات خواهد شد. ماده مذکور اظهار دارد رها کردن عمدی اطفال یا اشخاص فاقد توانایی دفاع از خود در مکان‌های خلوت، جرم تلقی شده و مرتکب آن به مجازات حبس یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. شدت مجازات مقرر در این ماده، با توجه به شرایط و عواقب ناشی از عمل ارتكابی تعیین می‌گردد.

اما این موضوع صرفاً از دیدگاه حقوقی بررسی نمی‌شود بلکه در نگارش تحقیق حاضر، تلاش بر این است تا معضل رها کردن نوزاد علاوه بر دیدگاه حقوقی از دیدگاه فقه اسلامی نیز بررسی شود. اگرچه به صورت مستقیم و با عنوان مشخص "رها کردن نوزاد" منبع فقهی مستقلی وجود ندارد اما به نظر می‌رسد با رجوع به نظرات فقها و تعمیم آن نسبت به موضوع فوق بتوان به درک واحدی از تعهدات و مسئولیت‌های رها کردن نوزاد دست یافت. یکی از تکان‌دهنده‌ترین نمودهای نقض حقوق نوزادان در اسلام، اقداماتی همچون سقط جنین غیرقانونی، رها کردن آن‌ها، واگذاری آن‌ها به مراکز نگهداری بدون مسئولیت‌پذیری، وادار کردن کودکان به کار شاق و تکدی‌گری است؛ این اعمال نه تنها سلامت جسمی و روانی کودکان را به خطر می‌اندازند، بلکه آینده آن‌ها را نیز تباه کرده و حقوق بنیادین آنان را به عنوان یک انسان پایمال می‌کنند؛ در واقع این رفتارها اشکال جدیدی از خشونت علیه کودکان هستند که در جامعه امروزی به شدت رواج یافته‌اند. (محمدیان، ۱۳۹۰)

در تحقیقی با موضوع کودک کشی و رها کردن غیرقانونی نوزاد، رزالی و همکاران او با توجه به قانون کشور مالزی دریافتند علاوه بر مرگ‌های ناشی از بیماری‌های حاد و ناگهانی، مرگ‌های غیر طبیعی نیز وجود دارند. این دسته از مرگ‌ها شامل حوادث، قتل و مرگ‌های ناشی از سهل‌انگاری می‌شود. نوزادکشی و رها کردن نوزاد از جمله مواردی هستند که به عنوان مرگ‌های غیر طبیعی ناشی از رفتار عمدی انسان طبقه‌بندی می‌شوند (Razali et al, 2014). مارتینز طی تحقیقی با موضوع ترومای ترک از دیدگاه رشد و درمان آن می‌گوید از دیدگاه رشد شناختی، پیشگیری فعالانه از مواجهه نوزادان با موقعیت‌های آسیب‌زا، بهترین راهبرد برای تضمین سلامت روان و رشد مطلوب آن‌ها محسوب می‌شود. با این حال، بررسی‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که عوامل متعددی از جمله ترک زودهنگام و مراقبت‌های نامناسب والدین، همچنان به عنوان چالش‌های

جدی در این زمینه مطرح هستند. علاوه بر این، رویدادهای آسیب‌زای دیگر در دوران نوزادی، از جمله عوامل مؤثر بر ایجاد ترومای رشدی و بروز اختلالات روانی در آینده به شمار می‌آیند. لذا، ضرورت دارد تا با اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه جامع و مبتنی بر شواهد علمی، به مقابله با این معضل پرداخته و از بروز عواقب جبران‌ناپذیر آن جلوگیری کرد (Martinez, 2023) در تحقیق دیگری ملر و شر، نوزادان رهاشده و سیاستهای غایب آن را بررسی کردند، از دیدگاه آنها رهاشدن نوزاد پدیده جدیدی نیست و در ادبیات انسانی و مقدس، تعداد بسیاری از رها شدن نوزادان پس از تولد، گزارش شده است در واقع مادرانی که قادر به نگهداری نوزاد خود نبودند، رهاکردن را تنها راه حل این مشکل میدانستند. (Mueller & Sherr, 2009)

آنچه سبب شد تا نگارش پژوهش حاضر تحقق یابد بی‌توجهی صاحب نظران نسبت به معضل رهاکردن نوزادان است، حیرت‌انگیز است با توجه به اینکه چنین معضلی بطور روزانه، هفتگی، بارها در یک ماه و سالانه در حال رخداد است چطور از چشم قانونگذار و دیگر صاحب نظران دور مانده است؛ به همین علت تحقیق حاضر با تحقیقات قبلی تفاوت‌هایی دارد، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها نگارش پژوهش به صورت تطبیقی فقه و حقوق می‌باشد دیگر تفاوتی که وجود دارد این است مسأله رهاکردن نوزاد با توجه به حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در این تحقیق با شرایطی که در حال حاضر حاکم است، کوشش شد تا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای با روش توصیفی-تحلیلی به سوال رهاکردن نوزاد چه مسئولیت‌های قانونی برای آنکه رها می‌کند در پی دارد؟ پاسخ دهد تا به هدف تحقیق حاضر یعنی تعهدات و مسئولیت‌های قانونی رهاکردن نوزاد از منظر فقه و حقوق دست پیدا کند.

دیدگاه حقوقی

جنبه قانونی

از دیدگاه حقوقی، اصل بر جبران خسارات است و هیچ‌زبانی نباید بدون جبران باقی بماند. حقوق نوزاد از جمله حقوقی است که تعرض به آن از سوی دیگران مجاز نیست و عموماً مسئولیت مدنی والدین را به دنبال دارد. این مسئولیت، حتی در نبود قرارداد صریح، بر اساس اصل مسئولیت مدنی و تکالیف قانونی والدین نسبت به فرزندان به وجود می‌آید. عدم انجام وظایف والدین، به عنوان نقض حقوق کودکان تلقی شده و علاوه بر مبانی قانونی، از منظر عرف و اخلاق نیز قابل استنباط است. به عبارتی دیگر، روابط والدین و فرزندان تحت حاکمیت قانون بوده و والدین مکلف به انجام تکالیف مشخصی نسبت به فرزندان خود هستند. یکی از مهم‌ترین چالش‌های جدی در نظام خانواده، عدم اجرای تکالیف قانونی والدین نسبت به فرزندان است. این مسئله، لزوم وضع قوانین کیفری و مدنی سختگیرانه‌تر را برای تضمین حقوق کودکان ایجاب می‌کند. وجود پدر و مادرانی که از انجام وظایف قانونی و اخلاقی خود در قبال فرزندان سرباز می‌زنند، جامعه را با معضل کودکان بدسرپرست مواجه کرده‌اند؛ (صالحی، ۱۴۰۲) به همین دلیل، قوانین حمایت از کودکان

در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی شده است این تغییر عبارت است از سلب حضانت از والدینی که صلاحیت لازم برای نگهداری از فرزندان را ندارند.

درواقع قانونگذار در بسیاری از موارد، به جای تعیین مجازات مشخص برای والدینی که حقوق فرزندان را نقض می‌کنند، به اقداماتی نظیر سلب حق حضانت یا ولایت اکتفا کرده است. این رویکرد نشان می‌دهد که قانونگذار در روابط پیچیده والدین و فرزندان، به دنبال رفع مستقیم آسیب وارده به کودک بوده است. با این حال، باید توجه داشت که در حوزه مسئولیت مدنی، شرایط ویژه‌ای بر روابط والدین و فرزندان حاکم است که می‌تواند دامنه مسئولیت والدین را محدود کند یا حتی منتفی سازد. این شرایط خاص به دلیل ماهیت پیچیده روابط خانوادگی و نقش پررنگ عواطف در این روابط است. با توجه به قانون، اگر در مواردی والدین اقدام به رهاکردن نوزاد خود نمایند مسئولیتی متوجه آنان نخواهد بود:

همراه با اجبار یا اکراه باشد

اجبار برگرفته از جبر است به معنای آنکه شخص وادار به انجام عملی شود، در حقیقت، شخص مجبور همواره فاقد رضا و اراده است. (گلدوزیان، ۱۴۰۳) اما اکراه عبارت است از اعمال فشار و اجبار بر فردی به منظور انجام عملی که از نظر او یا قوانین مطلوب نیست، و این عمل صرفاً برای اجتناب از یک زیان جدی‌تر صورت می‌گیرد. (جرجانی، ۱۳۵۷ق) بنابراین اجبار زمانی محقق می‌شود که فردی تحت فشار و تهدیدی قرار گیرد که از نظر عرف و عادت قابل تحمل نباشد و اراده او را به طور کامل تحت سلطه خود قرار دهد. در چنین شرایطی، فرد مجبور به انجام کاری می‌شود که خلاف میل باطنی اوست و مسئولیت اعمال او به شخص مجبور کننده منتقل می‌شود. به عنوان مثال، اگر فردی مبتلا به بیماری ایدز تحت فشار قرار گیرد تا با دیگری رابطه جنسی برقرار کند و در نتیجه باردار شود، مسئولیت این عمل به شخص مجبور کننده منتقل می‌شود. همچنین در حوزه اموال، اگر فردی به دلیل تهدید و اجبار، اموال خود را به دیگری منتقل کند یا معامله‌ای انجام دهد، مسئولیت این اقدامات به شخص مجبور کننده تعلق می‌گیرد. در هر دو حالت، فرد مجبور به دلیل فقدان اختیار و اراده، از مسئولیت اعمال خود معاف خواهد بود.

همراه با اضطرار باشد

اضطرار به معنای وضعیتی است که فرد در آن، تحت فشار شرایط سخت و طاقت‌فرسایی قرار می‌گیرد و مجبور می‌شود کاری را انجام دهد که با میل باطنی‌اش سازگاری ندارد. این ناچاری، علی‌رغم عدم رضایت درونی، با قصد و اراده همراه است. (بحرانی، ۱۴۲۶ق) در اصطلاح حقوقی اضطرار وضعیتی است که فرد برای رهایی از یک خطر خارجی و اجتناب‌ناپذیر، مجبور می‌شود به دیگری آسیب برساند. در این حالت، فرد فاقد اختیار بوده و به ناچار به عملی دست می‌زند که در شرایط عادی آن را انجام نمی‌داد. (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ج ۱) البته مسئله معافیت از مسئولیت در شرایط اضطرار، همواره محل مناقشه بوده است. از یک سو، می‌توان استدلال کرد که فردی که

تحت فشار اضطرار به دیگری زیان می‌رساند، به دلیل فقدان اختیار و قصد سوء، نباید مسئول شناخته شود. با این حال، این دیدگاه با اصل عدالت در تضاد است؛ چرا که فرد بی‌گناهی که متحمل زیان شده است، باید خسارت وارده را جبران کند. به عبارت دیگر، در وضعیت اضطرار، دو فرد بی‌گناه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و تعیین اینکه کدام یک باید مسئولیت جبران خسارت را بر عهده بگیرد، چالش برانگیز است.

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی اظهار دارد: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است» بنابراین حضانت و نگهداری از فرزند، بر اساس ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، از بدو تولد بر عهده پدر و مادر است و این تکلیف قانونی، از جمله حقوق اساسی نوزاد محسوب می‌شود. رها کردن نوزاد از سوی مادر در بیمارستان، علاوه بر نقض آشکار این تکلیف قانونی، مصداق بارز بی‌مسئولیتی و تهدید جدی علیه حیات و سلامت نوزاد می‌باشد، این عمل نه تنها با مفاد ماده ۵۴ قانون حمایت از خانواده مبنی بر مجازات کیفری برای کسانی که از انجام وظایف حضانتی خودداری کنند، مغایرت دارد، بلکه جرم مستقلی نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی، رها کردن کودک در مکانی خالی از سکنه را جرمی با مجازات حبس و جزای نقدی دانسته است. بنابراین، رفتار مادر در این مورد، علاوه بر اینکه مصداق بارز ترک فرزند و سلب حضانت است، جرم رها کردن کودک در مکان خالی از سکنه را نیز شامل می‌شود. در تعیین مجازات این عمل، علاوه بر قوانین مذکور، باید به عوامل موثری همچون انگیزه مادر، شرایط روحی و روانی او، سن و شرایط جسمی نوزاد و سایر جوانب توجه کرد.

بر اساس ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات رهاکردن نوزاد در محل خالی از سکنه یا هر مکانی که برای نوزاد خطر آفرین باشد در سه حالت در نظر گرفته شده است:

حالت اول- حبس از ۶ ماه تا ۲ سال

حالت دوم- جزای نقدی از ۳ میلیون ریال تا ۱۲ میلیون ریال

حالت سوم- در صورتی که نوزاد آسیب ببیند و یا فوت نماید، علاوه بر مجازات ذکر شده در حالت اول و دوم، قصاص یا دیه نیز متوجه مجرم خواهد بود.

جنبه اجتماعی

اگر چه مسئولیت اولیه نگهداری و پرورش فرزندان بر ذمه والدین است اما با این حال، در مواردی که والدین از این مسئولیت شانه خالی کنند، جامعه به عنوان یک نهاد اجتماعی موظف است تا حمایت لازم را از کودکان بی‌سرپرست به عمل آورد. روایدی که در رابطه با رهاکردن نوزاد وجود دارد بار دیگر ضرورت توجه جامعه به این مسئله را برجسته ساخته است؛ در چنین شرایطی، جامعه به طور جمعی مسئولیت دارد تا اطمینان حاصل نماید که این نوزادان از مراقبت‌های لازم برخوردار شده و آینده‌ای روشن در انتظارشان باشد.

مدتی پیش گزارش کشف یک نوزاد در سطل زباله به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اعلام گردید که با حضور پلیس در محل مشخص شد یک زباله‌گرد، نوزاد را درون یک کیسه پلاستیکی سیاه

در داخل سطل زباله پیدا کرده است، خوشبختانه نوزاد زنده بود و تنفس می‌کرد. با توجه به فوریت شرایط، بلافاصله نیروهای اورژانس به محل اعزام شده و نوزاد را به بخش نوزادان بیمارستان منتقل کردند تا تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرد. پس از آن نیز رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ، اعلام کرد که تحقیقات برای شناسایی فرد یا افرادی که نوزاد را رها کرده‌اند، همچنان ادامه دارد و در دستور کار پلیس است.

مطابق نظر رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران، ریشه اصلی رهاسازی نوزادان در سطل زباله، اغلب به روابط نامشروع باز می‌گردد. دختران و پسرانی که به دلیل بارداری ناخواسته با چالش‌های اجتماعی روبرو می‌شوند، به دلیل ترس از بروز مشکلات اجتماعی و حفظ آبرو، اقدام به رهاسازی نوزاد می‌نمایند. این در حالی است که در صورت بارداری مشروع، امکان واگذاری قانونی کودک به سازمان بهزیستی از طریق بیمارستان وجود دارد. بنابراین، فقدان حمایت‌های اجتماعی و ترس از طرد شدن، عوامل اصلی این پدیده تلخ اجتماعی محسوب می‌شوند. بنابراین بسیاری از کودکانی که در مکان‌های عمومی مانند سطل‌های زباله رها می‌شوند، حاصل روابطی خارج از چارچوب قانونی هستند. والدین این کودکان، اغلب نوزادان خود را در مکان‌های پرتردد قرار داده و از دور مشاهده می‌کنند که چه کسی آن‌ها را برمی‌دارد، همانطور که بیان شد این عمل به دلیل ترس از بروز مشکلات اجتماعی و حفظ آبرو صورت می‌گیرد. مع الاسف، به دلیل ماهیت پنهان این مسئله، آمار دقیقی از تعداد نوزادان رها شده در هیچ کشوری من جمله ایران وجود ندارد. (رسانه مسئولیت اجتماعی، ۱۴۰۱)

در جامعه ما علی‌رغم پیشرفت‌های مختلف، هنوز درک صحیحی از مسئولیت والدین نسبت به کودکان وجود ندارد. این مسئله ریشه در باورهای سنتی و نگرش‌های غلط برخی افراد دارد. برخی والدین، فرزندان را به عنوان بخشی از دارایی‌های خود می‌بینند و بدون توجه به حقوق و احساسات آن‌ها، هرگونه رفتاری را مجاز می‌دانند. برخی دیگر نیز به حریم خصوصی کودکان احترام نگذاشته و یا حتی هیچ‌گونه مسئولیتی را در قبال تربیت و پرورش آن‌ها نمی‌پذیرند. این نگرش‌های نادرست، مانع از رشد و توسعه سالم نوزادان شده و پیامدهای اجتماعی نامطلوبی را به دنبال دارد. بر همین اساس جامعه در قبال پدیده رهاکردن نوزادان مسئولیت اخلاقی و اجتماعی سنگینی بر عهده دارد.

نخست آنکه، شناسایی دلایل و انگیزه‌های والدین برای رها کردن فرزندان خود و بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر چنین تصمیمات ناگواری، امری ضروری است. ریشه یابی این پدیده پیچیده مستلزم تحلیل عمیق عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. به عبارت دیگر، رهاکردن نوزادان را نمی‌توان صرفاً یک مسئله فردی دانست، بلکه باید آن را محصولی از مشکلات ساختاری جامعه تلقی کرد. لذا جامعه موظف است با بررسی دقیق علل و عوامل این پدیده، راهکارهای موثر برای پیشگیری و کاهش آن ارائه نماید. (همان، ۱۴۰۱) مشکلات اقتصادی و معیشتی، افراد کم‌درآمد را به حاشیه جامعه و مناطق پرخطر سوق می‌دهد. در این شرایط، افزایش جرم و جنایت و روابط نامشروع اجتناب‌ناپذیر است. رها کردن نوزادان در سطل زباله، نتیجه

مستقیم این چالش‌های اجتماعی است. این پدیده نشان‌دهنده وجود مشکلات ساختاری در جامعه بوده و ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. در حقیقت این عمل نه تنها یک مسئله فردی، بلکه یک معضل اجتماعی است که نیازمند بررسی همه جانبه و ارائه راهکارهای جامع می‌باشد.

جنبه اخلاقی

بستر اصلی روابط خانوادگی، به ویژه پیوند والدین و فرزندان، بر پایه مبانی اخلاقی و اعتقادی استوار شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت ساختار و عملکرد خانواده بیش از آنکه تحت قوانین دولتی باشد، توسط ارزش‌های اخلاقی و مذهبی هدایت می‌شود. نقش دولت در این حوزه عمدتاً محدود به فراهم آوردن چارچوب قانونی و تضمین اجرای عدالت در شرایط استثنایی است. در واقع، اخلاق به عنوان نیروی محرکه اصلی در روابط خانوادگی عمل می‌کند و حق تنها زمانی وارد عمل می‌شود که تعادل این روابط بر هم خورده و تعارضات عمیقی رخ دهد. در چنین شرایطی، ابعاد عاطفی و انسانی روابط بر جنبه‌های حقوقی آن غلبه کرده و تصمیم‌گیری‌ها را پیچیده‌تر می‌سازد.

قواعد اخلاقی، مجموعه‌ای از اصول و معیارهای رفتاری هستند که به طور گسترده در یک جامعه مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و اکثر افراد آن را به‌عنوان هنجارهای اجتماعی ضروری تلقی می‌کنند. این قواعد، برآمده از وجدان جمعی جامعه می‌باشد و رعایت نکردن آن‌ها، موجب آزردهی خاطر و ناراحتی عموم مردم می‌شود. به عبارت دیگر، اخلاق، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهایی است که رفتارهای فردی و اجتماعی را شکل می‌دهد و به ایجاد انسجام و هماهنگی در جامعه کمک می‌کند. (امامی، ۱۳۸۶) بدین ترتیب ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، دامنه مسئولیت قانونی والدین را در قبال فرزندان محدود می‌کنند. (کاتوزیان، ۱۴۰۲)

پیوند عاطفی والدین و فرزندان، عمیق‌ترین و خالص‌ترین احساسات انسانی را در بر می‌گیرد. این پیوند به دلیل ماهیت بی‌منت و ایثارگرانه آن، از تقدسی والا برخوردار است. به همین علت، قانونگذار نیز با در نظر گرفتن این حقیقت که محبت والدین به فرزندان بهترین ضمانت اجرای تکالیف پدری و مادری است به طور مستقیم به تعیین ضمانت اجرای حقوقی برای تخلفات والدین نپرداخته است. این رویکرد با اصل حاکمیت اخلاق در روابط خانوادگی همسو است. به عبارتی دیگر، نظام حقوقی کشور، ضمن تأکید بر اهمیت حفظ نظم عمومی، به ارزش‌های اخلاقی حاکم بر روابط خانوادگی نیز احترام گذاشته و به جای تمرکز بر مجازات والدین متخلف، تلاش می‌کند تا با تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه، از بروز چنین تخلفاتی پیشگیری نماید. (عابدی و قبولی درافشان و سعیدی، ۱۳۹۴)

دیدگاه فقهی

هرگونه آزار و اذیت نوزادان، نادیده گرفتن حقوق و رهاکردن آنان از منظر ادیان، به ویژه اسلام، گناهی بزرگ محسوب می‌شود، درواقع ادیان مختلف بر اهمیت حقوق کودکان تأکید دارند و هرگونه ظلم و ستم به آنان را محکوم می‌کنند. قرآن کریم نیز در این باره صراحتاً به مقابله با ستمگرانی که حقوق کودکان را پایمال می‌کنند، فرمان می‌دهد؛ در آیه ۷۵ سوره نساء، خداوند متعال مؤمنان را به دفاع از حقوق کودکان مظلوم فرا می‌خواند و این عمل را جهاد فی سبیل‌الله دانسته است. آیه ۷۵ سوره نساء: «چرا در راه خدا و در راه نجات کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟» در آموزه‌های دینی اسلام، تأکید بسیار بر حفاظت و پرورش صحیح کودکان شده است. اسلام بر این باور است که والدین مسئولیت خطیری در قبال فرزندان خود دارند. امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: فرزند، امین و امانتی است که خداوند به والدین سپرده است. والدین موظفند تا از تمام جوانب مادی و معنوی به فرزند خود رسیدگی کنند و او را برای زندگی در جامعه‌ای سالم آماده سازند. تربیت دینی و اخلاقی فرزند، کمک به رشد و شکوفایی استعدادهای او و فراهم آوردن محیطی امن و آرام برای زندگی، از جمله مهم‌ترین وظایف والدین است. در واقع، والدین باید به عنوان الگو و راهنما برای فرزندانشان عمل کنند و آنان را به سوی کمال و سعادت هدایت نمایند. (حیدری نراقی، ۱۳۸۵)

فقه اسلامی، رهاکردن نوزاد را به طور کلی مذموم، گناه و عملی ناشایست دانسته است، از این رو برخی از دلایل حرمت رهاکردن نوزاد در ادامه بررسی می‌شود.

مسئولیت والدین

یکی از بنیادی‌ترین حقوق نوزادان، برخورداری از عدالت است. محیطی عادلانه، انگیزه‌های قوی برای تلاش و کوشش در آن‌ها ایجاد می‌کند و این دقیقاً همان چیزی است که آن‌ها از والدین و بزرگ‌ترها انتظار خواهند داشت؛ یعنی اعمال اصول عدالت و مساوات در رفتار با آن‌ها و ایجاد یک فضای زندگی عادلانه. رفتار عادلانه، کلید آرامش روانی کودکان است؛ چرا که عدالت، صفتی الهی است و پیامبر اکرم (ص) نیز بر اهمیت عدالت در روابط والدین و فرزندان تأکید فراوان داشته‌اند. ایشان می‌فرمایند: "در نیکی و محبت، میان فرزندان خود عدالت را رعایت کنید، همان‌گونه که دوست دارید در نیکی‌ها با شما به عدالت رفتار شود." به عبارت دیگر، عدالت، نه تنها یک حق بنیادین برای کودکان است، بلکه عاملی کلیدی در رشد و پرورش سالم آن‌ها نیز به شمار می‌رود. (قاضی حمیدالله، ۱۳۹۱)

در اغلب جوامع، به ویژه در جوامع اسلامی، کودکان از جایگاه والایی برخوردارند و به عنوان نعمتی الهی و زینت زندگی والدین محسوب می‌شوند. همان‌طور که قرآن کریم نیز به این مهم اشاره دارد، کودکان ادامه‌دهندگان نسل بشر هستند. از این رو، داشتن فرزندان سالم و صالح همواره مورد توجه اسلام بوده است. یکی از مهم‌ترین عوامل در تربیت فرزندان صالح، ازدواج بر اساس آموزه‌های اسلامی است. بی‌توجهی به کودکان و عدم توجه به تربیت صحیح آنان، عواقب

جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. والدین، معلمان و سایر مربیان نقش بسیار مهمی در تربیت و شکل‌گیری شخصیت کودکان ایفا می‌کنند. اگر این افراد به وظایف خود در قبال کودکان عمل نکنند و در راه رشد و تعالی آنان تلاش ننمایند، نمی‌توان انتظار داشت که کودکان به افراد صالح و شایسته‌ای تبدیل شوند. (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹)

قاعده لاضرر

قاعده فقهی «لاضرر» به عنوان یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی، در حوزه‌های مختلف حقوقی، اخلاقی و اجتماعی کاربرد گسترده‌ای یافته است. این قاعده که به معنای «نفی هرگونه ضرر و زیان» است، ریشه در آیات قرآن کریم و روایات معصومین دارد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای قاعده لاضرر در حوزه حقوق کودک و به ویژه حقوق نوزادان است. آیه شریفه «لا تُضَارُّوْا وَاَوْلَادُکُمْ بِوَالِدِهِمْ وَلَا وَاِلِدٌ لَّهُ بِوَالِدِهِ» (بقره/۲۳۳) به صراحت از ضرر رساندن والدین به فرزند و بالعکس نهی می‌کند. این آیه شریفه به عنوان یکی از مستندات اصلی قاعده لاضرر، بر اهمیت حفاظت از حقوق نوزادان و لزوم فراهم آوردن محیطی امن و سالم برای رشد و نمو آنها تأکید می‌نماید. با توجه به این قاعده، والدین به عنوان اولین و مهم‌ترین مسئولان مراقبت از نوزادان، موظفند از هرگونه اقدامی که به سلامت جسمانی و روانی فرزندشان آسیب برساند، خودداری کنند. این اصل در طول تاریخ اسلام، به عنوان یک مبنا برای تدوین قوانین و مقررات مربوط به حقوق کودک مورد توجه فقها و حقوقدانان قرار گرفته است. (سیدی بنایی و موسوی تبار، ۱۳۹۷)

حدیث شریف «لا ضرر و لا ضرار» به عنوان یکی از اصول بنیادین در اسلام، به صورت متواتر نقل شده است. این حدیث به صراحت بیان می‌دارد که وارد کردن هرگونه زیان به خود یا دیگران در دین مبین اسلام ممنوع است و شریعت نیز حکمی را مبنی بر ضرر رساندن وضع نکرده است. در تعیین ماهیت ضرر و ضرار، عرف جامعه معیار اصلی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، در مواردی که تشخیص ضرر به صورت دقیق امکان‌پذیر نباشد، به نظر عرف مراجعه می‌شود. اگر عرف امری را ضرور ندانست، قاعده لاضرر مانعی برای انجام آن عمل ایجاد نمی‌کند و ارتکاب آن نیز حرام نیست. البته این حکم در صورتی صادق است که دلیلی از سوی شارع برای تفسیر گسترده یا محدود این قاعده وجود نداشته باشد. (انصاری، بی تا)

نتیجه‌گیری

مسئولیت اجتماعی مجموعه‌ای از تعهدات اخلاقی است که هر فردی در قبال جامعه خود دارد. این تعهدات، فارغ از الزامات قانونی، بر همه افراد جامعه تحمیل می‌شود. با توجه به آسیب‌پذیری کودکان، ضرورت دارد تا مفهوم مسئولیت اجتماعی به طور ویژه در ارتباط با حقوق و نیازهای کودکان مورد توجه قرار گیرد. با اتخاذ روش‌های پیشگیری از بارداری و رعایت اصول ایمنی در روابط زناشویی، می‌توان تا حد زیادی از تولد نوزادانی که والدینشان توانایی مراقبت از آنها را ندارند، جلوگیری کرد. از سوی دیگر، در صورتی که والدینی بنا به دلایل مختلف قادر به نگهداری

از فرزند خود نباشند، به جای رها کردن کودک در مکان‌های نامناسب، می‌توانند با تحویل او به مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست یا بهزیستی، فرصت زندگی در محیطی امن و امکان پذیرش توسط خانواده‌های جدید را برای کودک فراهم کنند؛ این اقدام نه تنها از آسیب‌های جسمی و روحی به کودک جلوگیری می‌کند، بلکه نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری اجتماعی است از این رو باید تلاش شود تا نظام حقوقی و قانونی کشور به گونه‌ای اصلاح شود که هم مسئولان و نهادهای تصمیم‌گیرنده و هم همه افراد جامعه، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به کودکان داشته باشند. این مسئولیت از محیط خانواده آغاز شده و تا سطح کل جامعه گسترش می‌یابد.

منابع و مراجع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) امامی، اسدالله و گروهی از مولفان (۱۳۸۶)، تاملی در حقوق تطبیقی (اخلاق و نقش آن در حقوق)، انتشارات سمت، چاپ ۶.
- ۳) انصاری، مرتضی (بی تا)، فرآیند الاصول، موسسه الاعلمی، ج ۲، بیروت.
- ۴) انوری، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چاپ ۴، ص ۵۶۹.
- ۵) بحرانی، محمد صنقور علی (۱۴۲۶ق)، المعجم الاصولی، نشر منشورات نقش، ج ۱، ص ۲۷۸.
- ۶) جرجانی، علی (۱۳۵۷ق)، التعریفات، قاهره، ج ۱، ص ۲۷.
- ۷) حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵)، رساله حقوقی امام سجاد (ع)، قم، انتشارات مهدی نراقی، چاپ چهارم، ص ۳۱۱.
- ۸) سیدی بنایی، سید باقر؛ موسوی تبار، سید مرتضی (۱۳۹۷)، بررسی فقهی و حقوقی سوء رفتار با کودکان در لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۸، ش ۹۴.
- ۹) صالحی، علی (۱۴۰۲)، جرم رهاکردن طفل یا شخص ناتوان از محافظت خود در حقوق کیفری ایران، پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی.
- ۱۰) عابدی، محمد؛ قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی؛ سعیدی، امیر (۱۳۹۴)، موانع مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری خراسان، ش ۱۴.
- ۱۱) قاضی حمیدالله، پیمان (۱۳۹۱)، حقوق و عدالت برای اطفال، ماه نامه قضاء، قضائی و حقوقی، سنبله، ارگان نشراتی، ستره محکمه، کابل افغانستان.
- ۱۲) کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، دوره حقوق مدنی خانواده، نشر گنج دانش، ج ۲.
- ۱۳) کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، نشر گنج دانش، ج ۱، چاپ ۵.
- ۱۴) گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۳)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ ۲۶.
- ۱۵) محمدیان، بهرام (۱۳۹۰)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، نشر انجمن اولیاء و مربیان، چاپ ۴.
- ۱۶) موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۹۶)، اندیشه‌های حقوقی (حقوق خانواده)، انتشارات مجد، ج ۱.
- ۱۷) _____ (۱۴۰۱)، نوزادان رها شده و مسئولیت اجتماعی، رسانه مسئولیت اجتماعی، سایت خبر: <https://csrrasaneh.ir>
- ۱۸) هدفمند نبی‌پور، هدایت‌الله (۱۳۹۹)، حقوق اطفال در اسلام و اسناد بین‌المللی، دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، دوره ۵، ش ۱۳.
- 19) Martínez, B (2023), Abandonment trauma from a developmental perspective and its treatment, <https://doi.org/10.56238/methofocusinterv1-04>
- 20) Mueller, J; Sherr, L(2009), Abandoned babies and absent policies, Health Policy.
- 21) Razali, S; Kirkman, M; Ahmad, H; Fisher, J(2014), Infanticide and illegal infant abandonment in Malaysia, Child Abuse & Neglect, Volume 38, Issue 10.